

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نیرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۸۸ - یکشنبه ۱۳۹۲/۲/۸

اشکال شهید صدر بر کلام محقق خویی رحمته الله

شهید صدر رحمته الله هم بر اصل شبهه‌ای که سید خویی رحمته الله طرح کردند (جریان استصحاب جامع) اشکال وارد می‌کنند و هم بر پاسخی که محقق خویی رحمته الله بر آن شبهه دادند.^۱

اما اشکال بر اصل کلام سید خویی رحمته الله مبنی بر توهم جریان استصحاب:

شهید صدر رحمته الله معتقدند جای توهم جریان استصحاب نیست و این کلام از بنیان صحیح نیست. صرف نظر از اینکه اصلین در اطراف متعارض باشند یا نباشند، مقتضی برای جریان استصحاب وجود ندارد؛ زیرا این استصحاب اثری ندارد؛ به دلیل آنکه استصحاب جامع بین تکلیف طویل و تکلیف قصیر است، در حالی که تکلیف قصیر آن جامع مقدور نیست و علی‌الفرض مورد اضطرار است و هرگاه جامع چنین باشد یعنی احدالفردين آن مقدور نباشد صلاحیت برای تنجیز ندارد؛ زیرا گرچه یک طرف آن قابل تنجیز است (فرد طویل) ولی طرف دیگر غیر قابل تنجیز است (چون مورد اضطرار است) و هیچ‌گاه جامع بین «ما یقبل التنجیز» و «ما لا یقبل التنجیز» نمی‌تواند بر عهده و ذمه‌ی مکلف بیاید، حتی اگر مولا تصریح کند و با صراحت جامع بین «ما یقبل التنجیز» و «ما لا یقبل التنجیز» را بر عهده‌ی مکلف بگذارد، فضلاً از اینکه بخواهیم با استصحاب، چنین جامعی را بر عهده‌ی مکلف قرار دهیم.^۲

۱. بحوث فی علم الأصول، ج ۵، ص ۲۷۲.

۲. و الجامع بین ما یقبل التنجیز و ما لا یقبل التنجیز لا یدخل فی دائرة المدلولیة و حق الطاعة حتی اذا صرح به فضلاً عما اذا ارید اثباته

شهید صدر علیه السلام در ادامه می‌فرماید: با دانستن همین نکته می‌گوییم در دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی بلکه در دوران امر بین متباینین بعد از اتیان اقل یا احدالطرفین، نمی‌شود استصحاب جامع جاری کرد؛ زیرا جامع بین ما یقبل التنجیز و ما لا یقبل التنجیز بر عهده‌ی مکلف نمی‌آید. در حقیقت با آوردن یک طرف (اتیان اقل یا اتیان احد اطرفین در متباینین) امثال رخ داده است و تکلیفی که امثال شده است نمی‌تواند دوباره از مکلف خواسته شود و بر او منجز گردد. پس تنها یک طرف قابل تنجیز است، لذا جامع بین ما یقبل التنجیز و ما لا یقبل التنجیز خواهد بود. در نتیجه اساساً مقتضی برای استصحاب وجود ندارد، نه اینکه مقتضی وجود دارد و چون اصول مؤمنه متعارض نیستند استصحاب جاری نمی‌شود.

شهید صدر علیه السلام در مثال حدث مردّد بین اصغر و اکبر می‌گوید جامع یعنی حدث، موضوع حکم است و این حدث موضوع حکم بقاء مورد شک قرار می‌گیرد و لذا می‌توان خود جامع حدث را که دارای اثر است استصحاب کرد. به عنوان مثال مسّ مصحف با وجود حدث، حرام است اعمّ از اینکه این حدث ناشی از بول یا جنابت باشد، به خلاف ما نحن فیه که جامع بین اقل و اکثر یا جامع بین متباینین و یا جامع بین إناء «الف» و «ب» اثر ندارد و اثر مربوط به اطراف است. بنابراین هر جا اثر مربوط به جامع ما هو جامع بود مانند مثال حدث که موضوع حرمت مسّ مصحف است، استصحاب جامع جاری است اما جایی که اثر مربوط به افراد جامع است جامع مذکور قابل استصحاب نیست.

اما اشکال بر پاسخ محقق خویی از این توهّم:

شهید صدر بعد از اشکال نسبت به اصل کلام و شبهه‌ای که سید خویی مطرح کردند، بیان می‌کنند: بر فرض جریان استصحاب جامع، با روش سید خویی نمی‌توان شبهه را حل کرد؛ زیرا ایشان در صدد بر آمده‌اند اصالة البرائة را بر استصحاب حاکم کنند.

نقد و بررسی فرمایش شهید صدر علیه السلام

جوهره و اساس اشکال شهید صدر علیه السلام آن است که جامع بین ما یقبل التنجیز و ما لا یقبل التنجیز بر عهده نمی‌آید، در حالی که باید گفت: تکالیف گاهی ایجابیه و گاهی تحریمیه هستند، در تکالیف ایجابیه چرا نمی‌توان به جامع بین ما یقبل التنجیز و ما لا یقبل التنجیز امر کرد؟!

به عنوان مثال اگر مولایی بگوید یا باید به هندوستان سفر کنید و یا به چین و در حقیقت جامع بین سفر

به هند و چین را بر عهده‌ی مکلف بگذارد، حال اگر رفتن به چین برای مکلف غیر مقدور باشد و قابل تنجیز نباشد ولی رفتن به هندوستان مقدور و قابل تنجیز باشد آیا چنین تکلیفی از سوی مولا محال است؟! از آنجا که جامع با تحقق احد الطرفین محقق می‌شود، وقتی یک طرف جامع غیر مقدور باشد جامع می‌تواند با سفر به هندوستان محقق شود.

در تکالیف تحریمیه نیز می‌توان به حرمت جامع بین رفتن به هند و رفتن به چین مثال زد، که مولا جامع بین نرفتن به چین و هند را بر ذمه‌ی مکلف نهاده است و مکلف از ابتدا اضطرار نسبت به رفتن به چین دارد. در این حالت نیز مانعی در وضع چنین تکلیفی بر ذمه‌ی مکلف وجود ندارد و چون مکلف مضطرب به رفتن به چین است لامحاله باید سفر به هند را ترک کند. با آنکه جامع بین ما یقبل التنجیز و ما لایقبل التنجیز تحت حکم قرار گرفته است، وجود اضطرار به ارتکاب احد اطراف از اول، محالیتی ندارد، چه رسد به زمانی که اضطرار بعداً عارض شود.

لذا قانونی که شهید صدر رحمته‌الله فرمودند که جامع بین ما یقبل التنجیز و ما لایقبل التنجیز را نمی‌توان بر عهده‌ی مکلف نهاد، کلیت ندارد و تنها در برخی موارد صحیح است که مثلاً مقدور نبودن یکی از اطراف به واسطه‌ی حصول قهری آن باشد؛ مثلاً نرفتن به چین قهراً حاصل باشد چون رفتن به آنجا مقدور مکلف نیست، در اینجا به واسطه‌ی تحقق امثال قهری جامع در ضمن فرد، نهی از جامع نامعقول و لغو است.

پس اینکه مکرراً فرموده‌اند جامع بین ما یقبل التنجیز و ما لایقبل نمی‌تواند بر عهده باشد، باطلاقه صحیح نیست بلکه وابسته به آن است که جامع را مطلق الوجود بدانیم یا صرف الوجود و اینکه عدم قدرت ناشی از چه چیز می‌باشد.

مقرر: سید حامد طاهری